

فصل ۶ (عقل و دین) (شروع با ۳ تا مصلوات)

۱- بحث در مورد عقل و دین در جهان سمیت و جهان اسلام در چه وضعی بوده است؟ در جهان مسیحیت در دوران نخستین و در جهان اسلام از قرن دوم هجری

۲- نسبت عقل و دین در عهد سلف بیان کرده است؟
۱- نسبت عقل با وحی و آموزه ها و احکام آسمانی
۲- نسبت عقل با ایمان دینی

۳- چرا در نسبت عقل با وحی فقط دین اسلام مقصود است و ادیان ها دیگر مقصود نیست؟
دلیل بر این اساسا خاستگاه وحی نبی (از ادیان غیر وحی = بودیسم، هندوئیسم، جینیزم) یا اگر خاستگاه وحی نبی دارند به دلیل توفیق های کل در آن خارج داده، اصالت و حیاتی آن ها محذوفش گردیده است مانند (آیین

کعبه و مسیحیت) یا توهم به لغت

۴- عقل را تعریف کنید. عقل در لغت به معنا حفظ و نگهداری و منع و بازدارن است که بر روی آن با آن ها شکر را می بینند تا از حرکت کردن باز داشته شود (عقل انورند)

۵- معقل؟ جمله را نیز معقل می نامند

۶- عقلیه؟ زن و گوسفندی که در حفظ آن اعتماد بسیار می شود را عقلیه می گویند

۷- عقل با توهم به اصطلاح؟ قوه ای ادراک بر این نفس آدمی که با واسطه ای آن می توان معرفت حاصل کرد در حوزه حکمت نظری عقلی را به دست آورد

۸- عقل به چند دسته تقسیم می شود؟ و مقصود از اسلام انسان دارای ۲ قوه عقلی است چیست؟
عقل نظری و عقل عملی تقسیم کردند و مقصود این است که انسان دارای ۲ قوه عقلی است که یکی معرفت نظری و دیگری معرفت عملی است و انسان یک قوه عقلی دیگر ندارد و در حقیقت آن ۲ قوه است که ۱- مربوط به فکر و هست و نسبت (جهان بینی) و گاهی مربوط به فکر یا به و نیاید (ایدئولوژی)

۹- علامه طباطبائی عقل را چگونه تعریف کردند؟ مقصود از عقل قوه ای است که تصدیقاً حقیقی و احکام عمومی را درک می کند، با توهم این که قوام علمای بشری به قضایای کلی است بر حسب استوار به احکام عقلی هیچ رشته ای عقلی تحقق نخواهد یافت (به ادوات که انسان از طریق عقل به دست می آورد (ادرات عقلی) - عقل می نویسد)

۱۰- با توهم ایمان و آن عقل را تعریف کنید؟ آن دسته از آیات که کافران را به دلیل ندانستن عقل نکوهش می کند ناظر به صفات (ادراکات عقلی) و آیات که عقل را شرط تکلیف می داند ناظر به صفات نخست عقل (قوه عقلی)

بلکه دوگانگی عقل در احادیث سوال کنید: در برخی از احادیث خداوند صوری گرامی که از عقل میافرید (عقل اول)

اول (در عقلاً دیگر هیچ کس جزیره کفر از عقل هدایت نگردد است (عقلان دوم) - در حدیث

از امام علی (ع) عقل بر دو گونه است: عقل مطبوع و عقل مفسوع و کسی که قوام ادراک و عملش خود را در جهت

ارضا و استماع غرای حیوانی بگذارد و اصول و ارزش انسانی را پامال کند عاقل نیست و لعین و عقل است.

عقل: عقل آه است که با دست خود فرود می آید و به دست می آید.

قرآن و تفکر عقلی با توفیق هدیه: عقل و تفکر عقلی در قرآن جایگاه والا دارد. ۱۳۰ آیات در مورد عقل و تفکر آمده

عناصیر آیات قرآن: ۱- به تفکر دعوت شده ۲- استدلالها عقلی پیامبران و اولادان نقل شده ۳- از شیخ خوانده شده در اقوال و آرای دیگران بیندیشند ۴- از تقلیدهای کورکورانه و غیر عقلانی منع شده

قرآن عقل را محبت الهی بر سر می داند پس اگر احیاناً عقل خطا کند مورد و خواسته خواهد بود و مخالف با عقل (خواه مطلق با واقع یا نسبی) مانع نکوشد و عقوبت است

دلایل قرآنی که قرآن عقل را محبت الهی بر سر می داند بنویسید:

۱- قرآن کسانی که تعقل نمی کنند بر کفر عقیدت یافته است (ان سرالدواب عند الله هم کلبم الذین لا یعقلون) متغورانه کمالات عقول نیست بلکه کسانی که کل شنیدن حقایق ندارند.

۲- از مخالفان خودی خواهند بر سر عاقل خویش امامی بجهان کنند (عقل صانع و یهانیتم ان کستم صانعین)

۳- خودی دعوی خویش امامی جهان می کند (لو کان فیهم الا الله لعسروا)

۴- به تبیین فلسفه احکام شرعی دلاقه است

۵- با آیت ها و لغزش های عقل مبارزه کرده است ایمان گرامی به حقایق گرامی از علم آیت ها و لغزش ها حاصل ۶- نظام عمل و عقلی در جهان و در تاریخ را به رسمیت می شناسند

جایگاه و محبت عقل از دیدگاه روایات (عقل و کلمات است) عقل در احادیث اسلامی از جایگاه والا برخوردار است

در عنوان محبت درونی بر سر آمده است. احادیث نقل:

۱- خداوند وقتی عقل را آفرید از او خواست پیش بیاید پس آمد و پس از او خواست باز برگردد برگشت آن او نبودم غرت و حیلان خود می کند که آفریده ام پس بر او تو نیازی ندیم و خود کسی که از او است دارم تو را کافر نمی کنم تو صبا و عیال رو بپا داشتی و کسفرین خواهی بود

۲- جبرئیل نفوذ آدم را خواست مان عقل مدین و حیایان را نتوان کند آدم را عقل را برگزید جبرئیل از حیایان خواست خامله بگریزد آن دو گفتند ما عاقبت داریم که با عقل با هم

۳- کسی که عاقل باشد رندار خواهد بود و کسی که رندار باشد داخل محبت خواهد شد

۴- پادشاه اعمال در قیامت مناسب با عقل او را خواهد بود ۵- توسط عقل می توان مدعیان در عین از رندار شد یا باز ستاخت

خطا کرده‌های عقل در دین شناسی را نام ببرید ۱- عقل و معرفت‌های بنیادین دین

۲- عقل یکی از منابع احکام دین ۳- فهم و تفسیر کتاب و سنت ۴- دفاع از اصول و فروع دین

عقل و معرفت‌های بنیادین دین را به اختصار توضیح دهید. نخستین نقش معرفت عقل و مبرهنه معرفت‌های بنیادین دین است معنی عمیق‌تری که الوده و بنیادین به شمار می‌رود این عمایه عبارتند از اثبات وجود خداوند، شناخت علم با قدرت و حکمت الهی، لزوم اعتقاد بر دین بیابان، لزوم دانستن فضیله بر دعوی نبوت تا این اصول اعتقادی عمق‌دار کتب انبیا و شریعت است، و در این در این در این موضوع نیز توان به وحی استناد کرد و از طرفی این مسائل در حوزه‌های ادیان حسنی یافتند بنابراین بنا به ران التواتر بر این اثبات و شناخت آن‌ها عقل است.

عقل یکی از منابع احکام دین را به اختصار توضیح دهید. همانطور که در علم اصول فقه اثبات کرده عقل یکی از منابع و مدارک احکام شرعی و از این جهت در عرفی کتاب و سنت و فقهی این اصل ۲ چیزی است ۱- فایده‌ی حق و وقوع عقل ۲- ملازمه‌ی میان حکم عقلی و شرعی عقاید فایده‌ی نخست اینست عقل حق و وقوع باره‌ها از افعال را به صورت مستقل در آن می‌کند و عقاید فایده‌ی دوم اینست که احکام عقلی عطا می‌شود است معنی آنست عقل حق یا قیاسی در واقع می‌دانند در واقع و نفی الامر حسنی است و از طرفی احکام شرعی بر مصالح و مفاسد واقع می‌شود است بنابراین عقل و وقوع عقلی با احکام شرعی ملازمه دارد چنانکه گفته اند (کل ما حکم به العقل حکم به الشرع)

فهم و تفسیر کتاب و سنت را توضیح کنید. همانطور که از سواد عقلی استناد می‌شود از قرآن عقلی استفاده شود عقل هرگونه صفتی که مستلزم صیغیه و نیاز خدا باشد عقود نخواهد بود و باید آنرا با بگویند این عقاید کردیم با عقاید ظاهری آیات در مایات مستلزم صیغیه و نیاز برای خدا باشد عقود نخواهد بود و باید آنرا با بگویند این عقاید کردیم با عقاید گمان الهی هاست با شهادت با سوال استوار بر عرش (در همه علی‌الربوب استوی) به معنی استیلا و قدرت خداوند در دین است که معنای بد را می‌برد (بد الله فوق ابرهیم) قدرت الهی است. گاهی گمان می‌رود که آیات قرآن بر برخی دیگر است تا سازگاری با آنها تأمل و تدبیر معلومی شود تا سازگاری ندارند عقلی در این صورت که چشم بقدری برای این است اقره بفرموده: باره‌ها کلام خداوند بیدار تصدیق می‌کنند ولی تو از حیوان درک عقلی که این همه هنر را شناسد که خود را بر اینها

فهم گفته علاوه بر خداوند (می‌شود فهمیده) بیایم در بیان شرایط نبوت حاکمان را در فهم جمع کرده است که درستی خود با امر الهی منسب را بگوید به ویژه آنکه در آغاز خطبای خود از حق و تب الوقوع خود سخن گفته (هو الله الواحد قهار) قهاریت خداوند بی‌نیاز است مطلق که در حقیقت خدا از قبیل واحد عددی است زیرا او احد عددی به حکم اینست محدود است، صفت خواهد بود

دفاع از اصول و فروع دین توضیح کنید: بر اساس دفاع از دین سببیت باید از روش‌ها و ننگون کتب و مناظره استفاده کرد که در این میان عقل و تفکر عقلی نقش اساسی دارد. طایفه عقلی خصم دست به معالجه نزنند و پس تقدیر و تده را خشن می‌کند قرآن یاد آور می‌شود که نمود در برابر استیلا حضرت ابراهیم (رب الذی کبر و جیت عن خصم می‌توانم بپرانم و زنده کنم و استوار دارم و نفر نیارند تا نفر نیکنند و دروغی زنده باره

و حضرت ابراهیم با حراج گزینهای دیگر صفای او را عیب کرد (چون در کتاب رهنم خوارسید از مشرف بیرون
می آید، تو آن را از مغرب بیرون بیاور)

(۴)

عقل معیار، مصباح و مصباح را توفیح دهید: آیه الله جوادی اهل نفس عقل در حوزه این سئالی در او حلیه معیار

۱- معیار و میزان بودن عقل مربوط به برخی از اصول و عقاید و احکام است و برای آنست که در هر کلامی مخالف با عقل نخواهد داشت زیرا این اصول عقاید عقاید است و این است که در وی می باشد

۲- مصباح و چراغ بودن عقل مربوط به احکام شرعی و بین کتاب و سنت است نفس عقل در ریاضت احکام شرعی
مذکور است: ۱- تلاشی برای احکام و عقاید و بین کتاب و سنت ۲- به عنوان منبع در بعضی کتاب و سنت (این نفس
عقل مربوط به مستقلات و غیر مستقلات عقلم است)

۳- مصباح بودن عقل نسبت به شریعت و با اسرار و ملائک های احکام شرعی و مربوط به عقل ذریع تقنین و تصحیف
اسرار و ملائک های احکام شرعی تا آنکه در توان عقل درک عدم مخالفت احکام شرعی با اصول حکم عقل است و

دیدگاه های نادرست در مورد نفس عقل مایان کنید:

- ۱- دیدگاه عقلان و وحی: آنکه معتقدند که هسته روحی با عالم ماده و طبیعتی دارند دفعی ها
- ۲- دیدگاه کسانی که اتریم عالم فاعلی طبیعت را انکار نمی کنند ولی وحی و نبوت را انکار کردند فائقه طبیعت ها
- ۳- وحی را قبول دارند اما آن را به محدود عرفانی و تجربی دانسته اند بر اساس این تفسیر معارف بر وجه در قدیم
- و احکام و عقاید انکار می شود تغییر آیات و روایان در مورد وحی ناسازگار است دلیلت ها در حد
- دیدگاه کسانی که وحی لفظی را قبول دارند ولی عقاید و اصول آن را صرفاً بر اساس یافته ها عقلی و علمی ن
- تفسیر می کنند بر اساس دیدگاه عقل و عقاید را با بی مطالعه یافته ها و داده ها عقلی و علمی تفسیر کرد ن
- نادرستی این دیدگاه به این دلیل است که وحی صحیح گونه نفس ~~عقل~~ معرفت کسی دهواست که نخواهد داشت و نفوس ما ن
- دیدگاه کسانی که محبت عقل یا تنها در حد عقلی عقل از آیات وحی و نبوت می پذیرند و پس از آن ن
- عقل محبت و اعتباری قابل نیستند ظاهر گرایان از سبب و اصل است طرفدار این دیدگاه ن

پایان درس ۶